

میرزا مهدی پویا یزدی مفسری ایرانی در شبه قاره هند

مرتضی کریمی نیا



یکی از مفسران و قرآن پژوهان ایرانی که بیشتر عمر خود را در دو کشور هند و پاکستان گذرانیده، مرحوم میرزا مهدی پویا (۱۹۰۰-۱۹۷۳ م/ ۱۳۱۷-۱۳۹۳ ق) است که در میان مسلمانان و به ویژه شیعیان این منطقه از شهرت بسیار برخوردار بوده است. وی که بیشتر آثار قرآنی خود را به دوزبان انگلیسی و اردو نگاشته است، بیشترین شهرت خود را مدیون مقدمه و پاورقی‌های تفسیری‌ای است که بر ترجمه انگلیسی قرآن، اثر میراحمدعلی نوشته است که پس از معرفی و مرور کوتاهی بر حیات علمی وی ترجمه فارسی یکی از نوشته‌های قرآنی او را می‌خوانید.

در کراچی پاکستان همراه با تقریظات و استفتائاتی از مراجع تقلید شیعه نجف و مشهد منتشر شد و پس از انقلاب نیز از سوی انتشارات اسوه در ایران به صورت افست به چاپ رسیده است. در این ترجمه انگلیسی قرآن، علاوه بر مقدمه بلند مترجم درباره معرفی مذهب شیعه، مقدمه‌ای از میرزا مهدی پویا با عنوان «اصالت و صحت متن و گردآوری قرآن کریم (۱۲)» به همراه دارد که بعدها با تغییرات و اضافاتی در قالب کتاب منتشر شد. شاید بتوان این کتاب را اولین و مهم‌ترین کتاب در زبان انگلیسی دانست که در آن عالمی شیعی، دیدگاه‌های شیعه امامیه را درباره عدم تحریف قرآن، روایات تحریف در منابع شیعی و سنی، جمع و تدوین قرآن، رابطه قرآن و عترت و برخی دیگر از موضوعات علوم قرآنی مورد بررسی قرار داده است. به اعتقاد وی، قرآن کریم در طول حیات خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم جمع و تدوین، و در قالب کتاب نوشته شده است. این همان رأی است که بعدها آیت الله خویی (رحمة الله علیه) آن را به تفصیل در کتاب البیان فی تفسیر القرآن صورت‌بندی و تبیین کرده است. در بخش دیگری از کتاب، پویا روایات اهل سنت و شیعه درباره تحریف قرآن را ارزیابی کرده، ضمن انتقاد شدید از کتاب فصل الخطاب تألیف حاجی میرزا حسین نوری طبرسی، عقیده تحریف را از آموزه‌های شیعیان به دور می‌دارد.

برای اطلاع خوانندگان از انتقادات وی بر کتاب فصل الخطاب، بخشی از نوشته وی در این باره از کتاب صحت متن و گردآوری قرآن کریم ترجمه شده است.

نقدی بر کتاب فصل الخطاب

پس از بحث تفصیلی درباره آرای متکلمان و فقه‌های مشهور راجع به سلامت و اعتبار متن قرآن ناگزیریم به تصور نادرست و مغالطه‌آمیز برخی نویسندگان و پاره‌ای روایات آحاد و ضعیف درباره تحریف که مدعی تغییر حروف کلمات، آیات یا ترتیب متن قرآن‌اند پاسخ دهیم. در دو قرن اخیر برخی محدثان اخباری کوشیده‌اند با توسل به شمار اندکی روایات متفرق، که نزد آنان از عقل و قرآن موقوف‌تر و ارزشمندتر است، اعتبار قرآن را مورد سؤال قرار دهند. در ابتدای قرن حاضر، مرحوم حاج میرزا حسین نوری که از اصحاب این گروه به شمار می‌رود، کتاب‌های ارزشمند بسیاری تألیف کرد که سبب شهرت او شد، لیکن متأسفانه کتاب فصل الخطاب او - که مجموعه‌ای از متناقضات است - نظری بر خلاف عقیده اجماعی محققان شیعه در تمام اعصار راجع به سلامت قرآن، اظهار کرد که حتی مورد انتقاد برخی علمای بسیار والای زمان خود قرار گرفت.

بررسی این کتاب نشان می‌دهد که این کتاب حتی ادعاهای خود رانقض می‌کند. وی با وجود تأکید فراوان بر اینکه قرآن پیش از رحلت پیامبر به صورت کنونی تدوین کتاب گونه نیافته بوده، اظهار می‌کند که در همان زمان علی علیه‌السلام، به دستور پیامبر اکرم تمام آیات قرآن را همراه با تفسیر و حیاتی و تالیلات باطنی‌شان می‌نوشت. در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که آیا علی

مرحوم میرزا مهدی پویا یزدی، معروف به «آقابویا» عالم و مبلغ شیعی در شبه قاره هندوستان بود. وی در سال ۱۳۱۷ هجری قمری (۱۹۰۰ میلادی) در شهر یزد متولد شد. پدرش حجة الاسلام آقا میرزا محمدحسن، معروف به حاج میرزا آقا (متوفای ۱۳۲۸ هجری قمری) از شاگردان مرحوم آیت‌الله سید کاظم طباطبایی یزدی، و جدش حجة الاسلام آقامیرزا محمد جعفر از علمای منطقه یزد و شاگرد شیخ مرتضی انصاری بودند (۱). وی پس از انجام تحصیلات ابتدایی و فراگیری دانش‌های مذهبی و اندکی ریاضیات و هندسه، در شانزده سالگی عازم نجف اشرف شد و مدتی از درس فقه و اصول آیت الله سید کاظم طباطبایی یزدی بهره برد؛ اما بیشترین سال‌های تحصیل خود در نجف را نزد آیت‌الله میرزا حسین نائینی گذراند و به همین جهت به جز دروس رسمی فقه و اصول، در حوزه‌های تفسیر قرآن، کلام و فلسفه اسلامی نیز تبحر و تعمق یافت. وی پس از هفت سال تحصیلات عالی علوم دینی، در بیست و سه سالگی علی رغم مخالفت استادش، مرحوم آیت الله میرزا حسین نائینی، از نجف اشرف به شهر مدرس در شبه قاره هند مهاجرت کرد. مرحوم نائینی مهاجرت وی ناخرسند بود و بنا به برخی گزارش‌ها کوشیده بود با صدور حکم شرعی، وی را از این کار منع کند (۲).

در کمتر از دو سالی که پویا در شهر مدرس به تبلیغ و تدریس علوم دینی مشغول بود زبان انگلیسی را فراگرفت و چهار سال بعدی زندگی خود را با همین اشتغالات در شهر رامپور گذراند. از آن پس، تا سالها ساکن شهر میسور و در دانشگاه این شهر، مدرس زبان‌های عربی و فارسی بود. با جدایی پاکستان از شبه قاره هند در سپتامبر ۱۹۴۷، پویا به شهر کراچی رفت و تا پایان عمر در حال تبلیغ و تالیف و تدریس دینی در آنجا باقی ماند. وی در هفدهم ژوئیه ۱۹۷۳ / شانزده جمادی الثانی ۱۳۹۳ در کراچی درگذشت و در گورستان «باغ خراسان» همان شهر به خاک سپرده شد (۳).

پویا افزون بر فعالیت‌های تجاری و تبلیغی همچون تاسیس چاپخانه، بنای مدرسه جعفریه کراچی، بنیادگذاری حسینیه ایرانیان در آن شهر و کمک‌های مالی به مدارس، مساجد و حسینیه‌های کراچی، سال‌های متمادی در این شهر مجالس بحث و گفتگو درباره مسائل قدیم و جدید دینی - به ویژه قرآنی - داشت و با عنوان عالمی شیعی، نامبردار و مورد توجه و علاقه نسل جوان و دانش‌پژوهان شهر بود (۴). اسامی برخی از تالیفات وی عبارت‌اند از: خطبه استقبالیه (به اردو)؛ اصول اسلام (۵)؛ مباحث مابعدالطبیعی قرآن کریم (۶)؛ صحت متن و گردآوری قرآن کریم (۷)؛ وحی (۸)؛ وجود خدا (۹)؛ غیبت الهی (۱۰)؛ شهادت به تولد امام دوازدهم در میان شیعیان، اهل سنت و مرتدنان (۱۱) که پنج کتاب اخیر را دو تن از شاگردان وی پس از وفاتش در مجموعه‌ای با عنوان ماهیت قرآن کریم: فروغ جاویدان (۱۲) گردآوری و منتشر کرده‌اند.

مشهورترین اثر میرزا مهدی پویا پاورقی‌های تفسیری و مقدمه مفصلی است که بر ترجمه انگلیسی قرآن، اثر میراحمدعلی (۱۳) نگاشته است. این ترجمه که با گرایش مذهب اهل بیت علیه‌السلام است، نخستین بار در ۱۹۶۴



(مرحوم نوری) و ائمه اطهار بوده است. وقتی مؤلف فصل الخطاب فیض کاشانی را متهم به ناراستی می‌کند، شیخ و واسطه خود را از دست می‌دهد. چنین بدعت‌هایی در میان برخی منارس حدیثی به‌ویژه در هندوستان رواج یافته و به نظر می‌رسد این امر یکی از علایم پرستی‌شخصی است. لیکن احترام و وجهت این گروه‌ها هر قدر باشد، اعتبار و وثاقت متن قرآن کریم به‌عنوان یکی از اصول اعتقادی ما مسلمانان، از هر مسأله دیگری مهم‌تر است. حضرت علی علیه‌السلام به طلحه می‌فرماید: «قرآنی که در دست مردم است و آنان قرائتش می‌کنند، همان قرآن جامع و کامل است و در این قرآن دلیلی روشن و تحریف‌ناپذیر بر مقام معتبر و موثق اهل بیت وجود دارد...»

در روز قیامت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به خداوند شکایت خواهد کرد که پیروان او قرآن را مهجور کرده‌اند: «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا (فرقان، ۲۹)». این شکوه و شکایت در صورتی صحیح و موجه است که قرآن کریم به طور کامل در دسترس مردم قرار داشته باشد. در غیر این صورت باید نحوه شکایت پیامبر اکرم تفلوت می‌کرد؛ یعنی وی به خداوند می‌گفت که این قوم من، قرآن را تحریف کرده‌اند. بررسی دقیق و همه‌جانبه این آیه قرآن بهترین دلیل علیه قائلان به تمام اشکال تحریف است.

پی نوشت‌ها:

- ۱- آقابزرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، بیروت، دارالاضواء، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۰۲؛ سید علیرضا ریحان یزدی، آینه دانشوران، قم، ۱۳۷۲، ص ۴۸۴.
- ۲- سید حسین عارف نقوی، تذکرة علمانی امامیة پاکستان، اسلام‌آباد، ۱۴۰۴ق، ۱۹۸۴م، ص ۴۰۱.
- ۳- سید مرتضی حسین صدرافاضل، مطلع الانوار: احوال دانشوران شیعة پاکستان و هند ترجمه دکتر محمد هاشم، مشهد، ۱۳۷۴، ص ۴۳.
- ۴- سید حسین عارف نقوی، همان، ص ۴۰۲؛ سید مرتضی حسین صدرافاضل، همان، ص ۴۳.

5- Fundamentals of Islam.

6-Metaphysics of the Holy Qur'an.

7- Mirza Mehdi Pooya, Genuineness of the Holy Quran in its Text and its Arrangement. Karachi, 1974; Tehran, 1978.

8- Revelation.

9- The existence of God.

10- Occulation divine.

11- Evidence relating to the birth of the twelfth Imam, Sunni scholars and apostates.

12- Mirza Mahdi Pooya, Essence of the Holy Qur'an: the Eternal Light. Ed. Syed Muhammad Murtaza & Husain P. Taylor. Canada, 1995.

13- Mir Ahmed Ali, The Holy Qur'an, with English Translation of the Arabic Text and Commentary According to the Version of the Holy Ahlol-Bait. With special notes from Ayatullah Agha Haji Mirza Mahdi Pooya Yazdi on the philosophic aspects of some of the verses. Karachi: Muhammad Khaleel Shirazi, 1964.

14- ((Originality and Genuineness of the Holy Quran in its Text and its Arrangement.))

علیه‌السلام، آیات قرآن را بر طبق نظم و ترتیبی می‌نوشت یا کتابت او درهم و برهم بود؟ به علاوه (ثانیاً) روشن است که وصیت پیامبر در مورد کتاب الله و باقی گذاشتن آن همراه با اهل انبیت در میان مردم، با متنی که او قبلاً برای حضرت علی علیه‌السلام املاء کرده بود انطباق کامل داشته است. بنابراین، دیگر جایی نمی‌ماند که مؤلف فصل الخطاب ادعا کند که قرآن در زمان حیات پیامبر اکرم مکتوب نشده بود. ماجرای ماندن علی در خانه و اشتغال به جمع‌آوری قرآن پس از رحلت پیامبر اکرم، فقط یک داستان ساختگی از سوی جناح حاکم بوده است تا بگویند چرا علی بیعت با خلیفه را به تأخیر انداخت. هدف آنان اثبات این نکته بوده است که در نظر علی جمع قرآن مهم‌تر از مسأله بیعت بود و الا، وی با خلافت ابوبکر مخالفتی نداشت. این تبلیغات بی‌پایه و اساس، سبب شد محدثان بی‌دقت باور کنند که قرآن در طول حیات پیامبر اکرم جمع و تدوین نشده است.

نکته دیگری که مؤلف فصل الخطاب آن را مفروض و مسلم می‌انگارد این است که ترتیب سور قرآن در باصطلاح جمع حضرت علی، تاریخی و براساس نزول بوده است. بی‌آنکه جزئیات مباحثی را که قبلاً گذشت تکرار کنیم، باید بگوییم که هیچ محدث و راوی شیعی‌ای تدوین تاریخی قرآن را به هیچ امام معصومی نسبت نداده است. نخستین کسی که چنین ترتیبی را به حضرت علی اسناد داده، ابن سیرین است که وفاداری او به اهل بیت مورد تردید و تامل است. تمام آنچه در این باره از ائمه اطهار به دست ما رسیده دو روایت در کافی کلینی است که آنها را جابر جعفی از امام باقر نقل می‌کند.

جابر می‌گوید: «من شنیدم که امام ابو جعفر محمد بن علی علیه‌السلام می‌گوید به جز علی بن ابی طالب و ائمه اطهار پس از او، هر کس ادعا کند که قرآن را به‌طور کامل کما انزل ا جمع کرده و مطابق نزول خداوند آن را تدوین و حفظ کرده است، دروغ‌گوست.» کلینی در کنار این روایت در کافی، از همان روای (جابر) به نقل از همان امام (امام محمد باقر علیه‌السلام) نقل می‌کند که «به جز پیروان پیامبر اکرم (یعنی ائمه اطهار)، هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که قرآن را به‌طور کامل، با تمام معانی بیرونی (یعنی معانی آشکار و همه‌کس‌فهم) و تمامی بطون و معانی درونی (یعنی معانی پنهانی و خصوصی‌اش) در اختیار دارد.

روایت دوم کافی، مراد امام باقر از عبارت «قرآن به‌طور کامل» در روایت اول را روشن می‌کند. منظور امام علیه‌السلام این است که غیر از امام علی و ائمه پس از او، کسی به ابعاد باطنی و ظاهری قرآن که بر پیامبر وحی می‌شده و او بر علی علیه‌السلام املاء کرده است دسترسی ندارد. این روایت تبیینی است عام برای تمام روایاتی که از اهل بیت علیهم‌السلام نقل شده و در آنها برخی آیات به گونه‌ای دیگر قرائت شده است.

جای تعجب است که مؤلف فصل الخطاب برای اثبات اینکه قرآن موجود تمام ما انزل الله نیست، روایت نخست را نقل و روایت دوم را که مبین اولی است نادیده می‌گیرد. دشوار می‌توان پذیرفت که وی متوجه روایت دوم نشده است.

مرحوم میرزا حسین نوری بر ملاً محسن فیض کاشانی ایراد می‌گیرد که چرا روایتی را که می‌گوید قرآن هفده هزار آیه داشته، نقل نکرده و تنها به نقل روایات هفت هزار آیه بسنده کرده است. وی با گستاخی تمام فیض کاشانی را به فریبکاری و نادرستی متهم می‌کند. ما برای رد این ادعا قبلاً مسأله تعداد آیات را به تفصیل مورد بحث قرار دادیم. علاوه بر این خود مرحوم میرزا حسین نوری نیز از چنین انتقادات و اتهاماتی برکنار نبوده است. تمام معاصران و محققان دوره‌های بعد آرزو کرده‌اند که ای کاش مرحوم نوری این کتابی که اعتبار او را مخدوش کرد ننوشته بود.

شایسته تذکر است که مرحوم ملامحسن فیض کاشانی از هر اتهام و افتزایی میرا است. او در نقل حدیث، شیخ و واسطه میان مؤلف فصل الخطاب،



گنجینه